

تحلیل فضایی نابرابری‌های جنسیتی

و شاخص‌های مربوط به آن در کشورهای خاورمیانه

تاریخ پذیرش مقاله: ۸۸/۸/۳

تاریخ دریافت مقاله: ۸۸/۴/۲۰

دکتر علی زنگی آبادی* (عضو هیأت علمی دانشگاه اصفهان)
دکتر میرنجف موسوی (استادیار دانشگاه ارومیه)

چکیده

در پی ناکارآمدی الگوی رشد اقتصادی در تبیین توسعه برای اولین بار در سال ۱۹۹۰ توسط سازمان برنامه ریزی توسعه سازمان ملل، مفهوم توسعه انسانی با استفاده از سه شاخص اساسی کسب دانش، دسترسی به امکانات مادی لازم برای یک زندگی بهتر و برخورداری از طول عمر توأم با سلامتی مورد سنجش قرار گرفت. در نوشته حاضر سعی می‌شود شاخص‌های توسعه انسانی، فقر انسانی در کشورهای خاورمیانه مورد بررسی قرار گیرد و اثرات آنها بر نابرابری جنسیتی ارزیابی گردد. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی است. بر اساس نتایج حاصل از محاسبه شاخص توسعه انسانی، ۴ کشور در سطح توسعه انسانی بالا، ۱۴ کشور در سطح توسعه انسانی متوسط و دو کشور عراق و یمن در سطح توسعه انسانی پایین قرار دارند. بررسی رابطه شاخص‌های توسعه انسانی با نابرابری جنسیتی نمایانگر وجود یک رابطه غیر خطی بین شاخص‌های توسعه انسانی و موقعیت زنان است. به طوری که با افزایش شاخص‌های توسعه انسانی، نابرابری بین زنان و مردان در کشورهای خاورمیانه کاسته می‌شود. همچنین در کشورهایی که مشارکت و نقش زنان در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی بیشتر است شاخص‌های فقر انسانی کاهش می‌یابد.

واژه‌های کلیدی

شاخص توسعه انسانی، فقر انسانی، نابرابری جنسیتی، کشورهای خاورمیانه.

مقدمه

عرصه‌ی مطالعات توسعه به صورت محدود در سالهای بعد از جنگ جهانی دوم پدیدار شد و به سرعت بر مجموعه‌ای از مشکلات اقتصادی کلان، به ویژه ارتباط جهانی، نابرابری بین کشورهای فقیر و غنی متمرکز شد (براهمن، ۱۳۸۱: ۴). در این سالها مفهوم توسعه را مترادف با رشد و در همان معنای صرف اقتصادی به کار می‌بردند (ساعی، ۱۳۷۷: ۱۸) و بالا بردن تولید ناخالص ملی و در آمد سرانه را اهداف توسعه قرار داده بودند و چنین فرض می‌کرده‌اند که رشد اقتصادی برابری بیشتری را به ارمغان خواهد آورد و این برابری موجب نابودی قطعی فقر خواهد شد (نراقی، ۱۳۷۵: ۲۹). اما با تشدید مسایلی همچون فقر، بیکاری و نابرابری، حتی در کشورهایی که دارای رشد اقتصادی بالایی بودند، کاربرد متغیرهای اقتصادی به عنوان تنها عامل مؤثر در سنجش توسعه مورد تردید قرار گرفت (پورمحمدی و زالی، ۱۳۸۳: ۳۸). از دهه ۱۹۷۰ به بعد در مفهوم و معنای توسعه تجدید نظر به عمل آمد. حاصل چنین تحولی طرح مفهوم توسعه‌ی انسانی بود که در چارچوب آن هدف اساسی توسعه مورد توجه قرار گرفت. (از کیا، ۱۳۷۷: ۲۱) بدین صورت نخستین گزارش توسعه‌ی انسانی در سال ۱۹۹۰ توسط سازمانی برنامه ریزی توسعه‌ی سازمان ملل انتشار یافت و توسعه‌ی انسانی به عنوان فرآیندی تعریف شد که طی آن امکانات بشر افزایش یابد. به طوری که در این رویکرد سه شاخص اساسی کسب دانش، دسترسی به امکانات مادی لازم برای یک زندگی بهتر و برخورداری از طول عمر توأم با سلامتی برای سنجش توسعه‌ی انسانی مورد توجه قرار گرفت (حیاتی، ۱۳۷۵: ۴۵). مفهوم توسعه‌ی انسانی علاوه بر توجه به جنبه‌ی کمی رشد، تأکید بیشتری به جنبه‌های کیفی دارد. درون مایه اصلی این مفهوم آن است که توسعه باید چیزی بسیار بیشتر از افزایش درآمد و ثروت باشد. در واقع توسعه انسانی به جایگزین کردن دیدگاه انسان مدار به دیدگاه تولید مدار تأکید دارد. در مفهوم توسعه انسانی مشارکت زنان در حیات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و از بین بردن نابرابری‌های جنسیتی حایز اهمیت است. (فکوهی، ۱۳۷۹: ۱۰۷-۱۰۴) بعد مهم توسعه‌ی انسانی، توسعه پایدار است یعنی این که حق انتخاب و ضرورت و نیازهای نسل‌های آینده را محترم شمرده حفظ نماید. که البته این کار تنها از طریق افزایش دایم و سریع زنان در عرصه‌های اجتماعی - اقتصادی، امکان پذیر نخواهد بود. بنابراین در مقاله‌ی حاضر سعی خواهد شد شاخص‌های توسعه‌ی انسانی در کشورهای خاورمیانه که علیرغم داشتن منابع عظیم انرژی هنوز در سطح پایینی از توسعه‌ی انسانی قرار دارند مورد بررسی قرار گیرد. سپس باید اثرات توسعه‌ی انسانی بر موقعیت زنان و کاهش نابرابری‌های جنسیتی به طور کامل مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

روش های مورد استفاده در پژوهش

هدف از این مطالعه، ارزیابی شاخص‌های توسعه‌ی و فقر انسانی در کشورهای خاورمیانه و اثرات آنها بر نابرابری‌های جنسیتی است. ابتدا اطلاعات مورد نیاز از اطلاعات رایانه بانک جهانی استخراج شده، آنگاه با بهره‌گیری از مدل‌های HDI, HPI, GDI, GEM, GI محاسبات لازم صورت گرفته است. سپس با بهره‌گیری از نرم افزار رایانه ای SPSS و با استفاده از مدل‌های رگرسیون خطی و غیر خطی اثرات شاخص‌های توسعه و فقر انسانی بر نابرابری جنسیتی ارزیابی شده است.

۱- روش فنی بر آورد شاخص های منتخب

۱-۱- شاخص توسعه‌ی انسانی (HDI) ^۱

بر اساس استانداردهای سازمان ملل متحد، شاخص توسعه‌ی انسانی با استفاده از سه شاخص آموزش^۲، سرانه‌ی تولید ناخالص داخلی^۳ و امید به زندگی در بدو تولد^۴ اندازه‌گیری می‌شود (UNDP, 2000: 173-209):

$$(1) \text{ (نرخ ترکیبی ثبت نام ناخالص در کلیه ی مقاطع تحصیلی)} = \frac{1}{3} + (\text{درصد باسوادی بزرگسالان}) \times \frac{2}{3} = \text{شاخص آموزش}$$

در رابطه‌ی ۱، درصد با سوادی به عنوان نسبتی از جمعیت بالغ بالای ۱۵ سال که می‌تواند یک متن ساده را بخواند و بنویسد محاسبه می‌شود که دارای ضریب ۲ می‌باشد و شاخص نرخ ترکیبی ثبت نام ناخالص دارای ضریب ۱ می‌باشد.

$$(2) = \text{سرانه تولید ناخالص داخلی} = \frac{(\log y_{\max} - \log y_{\min})}{(\log y_{\max} - \log y_{\min})}$$

در رابطه‌ی ۲، y برابر است با درآمد سرانه واقعی هر کشور، y_{\max} ، y_{\min} به ترتیب عبارت اند از حداکثر و حداقل درآمد سرانه‌های زیر استاندارد بین المللی که بین ۴۰۰۰۰ دلار و ۱۰۰ دلار می‌باشد.

(۳) (ارزش حداقل - ارزش حداکثر) / (ارزش حداقل - ارزش واقعی) = شاخص امید به زندگی در رابطه‌ی ۳، شاخص امید به زندگی در بدو تولد است که بین ۲۵ حداقل تا ۸۵ حداکثر قرار دارد.

در نهایت شاخص توسعه‌ی انسانی یک میانگین حسابی ساده از سه شاخص امید به زندگی، شاخص آموزش و شاخص درآمد سرانه است.

¹ Human Development Index.

² Education Index.

³ Gross Domestic Product Per Capita Index.

⁴ Life Expectancy Index.

۲-۱- شاخص فقر انسانی HPI^۱

شاخص فقر انسانی به وضعیتی گفته می‌شود که مردم به حداقل منابع و امکانات برای زندگی کردن سالم دسترسی نداشته باشند (Acharya, 2004: 198). شاخص فقر انسانی در کشورهای در حال توسعه محرومیت اولیه (طول عمر) به وسیله درصد مردمی توجیه می‌شود (درصد کل از جمعیت) که انتظار نمی‌رود تا سن ۴۰ سالگی زنده بمانند و در واقع تا سن مذکور فوت می‌کنند (P1) و محرومیت از تحصیل از طریق (بی سواد بزرگسالان و بی سواد ۱۵ ساله و بیشتر) (P2) و محرومیت از سطح زندگی مناسب (P3) که از ترکیب سه متغیر زیر تعیین می‌گردد:

P31: درصد مردمی که به آب سالم دسترسی ندارند

P32: درصد مردمی که به خدمات بهداشتی دسترسی ندارند

P33: درصد کودکان کم وزن زیر ۵ سال (کودکانی که وزن آنها کمتر از سن متعارف وزن آنها می‌باشد).

متغیر P3 از طریق میانگین ساده بین P33, P32, P31 به دست می‌آید:

بنابراین شاخص فقر انسانی برای کشورهای در حال توسعه (HPI-1) با استفاده از فرمول زیر محاسبه می‌گردد (UNDP, 1997: 122-125):

$$(HPI - 1) = \left[\frac{1}{3} (P_1^3 + P_2^3 + P_3^3) \right]^{\frac{1}{3}}$$

۳-۱- شاخص توسعه‌ی انسانی تعدیل شده بر حسب جنسیت (GDI)^۲

در محاسبه شاخص توسعه‌ی انسانی بر حسب جنسیت (GDI) نیز همان متغیرهای شاخص توسعه‌ی انسانی مورد توجه قرار می‌گیرند با این تفاوت که شاخص توسعه‌ی انسانی بر حسب جنسیت، میزان موفقیت کشور در زمینه‌ی ارتقای امید به زندگی، دسترسی به آموزش و کسب درآمد بیشتر برای افراد جامعه را با توجه به اختلاف زنان و مردان در برخورداری از آنها نشان می‌دهد (کریم کشته و زمانیان، ۱۳۸۳: ۳۹-۴).

۴-۱- شاخص ارتقای توانمندی‌ها بر حسب جنسیت (GEM)^۳

این شاخص به جای تمرکز بر توانایی‌های زنان به فرصت‌های در اختیار زنان می‌پردازد. این شاخص میانگین وزنی شاخص مشارکت سیاسی و قدرت تصمیم‌گیری، مشارکت اقتصادی و قدرت تصمیم‌گیری و قدرت بر منابع اقتصادی است. این شاخص با استفاده از رابطه‌ی درصد توزیع مساوی (EDEP)^۴ و با توجه به میانگین وزنی جمعیت محاسبه می‌شوند.

¹ Human Poverty Index.

² Gender - Related Development Index.

³ Gender Empowerment Measur.

⁴ Equally Distributed Equivalent Percentage.

$E-1 = [E - (E-1) \text{ (شاخص مردان) (سهم جمعیتی مردان)}] + [E - (E-1) \text{ (شاخص زنان) (سهم جمعیتی زنان)}]$
 E انحراف از نابرابری را نشان می‌دهد در GEM , GDI , $E=2$ فرض می‌شود (افشاری و شیبانی، ۱۳۸۲: ۱۴).

۵-۱- شاخص نابرابری جنسی (GI)^۱

برای محاسبه شاخص نابرابری جنسیتی در هر کشور از رابطه زیر استفاده می‌شود:

$$GI = \frac{HDI - GDI}{HDI}$$

این شاخص بین صفر و یک در نوسان است. $GI=0$ به این معناست که زنان در مقایسه با مردان، به آموزش، درآمد و امید به زندگی یکسانی دست یافته‌اند (Sose & etal, 2000: 619-630).

شاخص‌های توسعه و وضعیت کشور های خاور میانه

۱- شاخص‌های توسعه ی انسانی و وضعیت خاورمیانه

اخیراً برنامه عمران ملل متحد (UNDP)^۲ گزارش سال ۲۰۰۴ توسعه ی انسانی را منتشر کرد. در این گزارش، ۱۷۷ کشور جهان را بر اساس شاخص توسعه ی انسانی آنها طبقه بندی کرده و ۵۹ کشور را از نظر نیاز به دریافت کمک در اولویت قرار داده است. طبق نتایج این گزارش، نروژ رتبه اول را به دست آورد و سیر الئون در ردیف آخر قرار گرفته است. در بین کشورهای خاورمیانه، کشورهای بحرین با (رتبه ۴۰)، کویت با (رتبه ۴۴)، قطر (رتبه ۴۷) و امارات متحده عربی با (رتبه ۴۹) جز کشورهای توسعه یافته دنیا قرار داشته‌اند (UNDP, 2004).

بر اساس نتایج به دست آمده از گزارش توسعه انسانی سال ۲۰۰۴، لیبی (رتبه ۵۸)، عمان (رتبه ۷۴)، عربستان (رتبه ۷۷)، لبنان (رتبه ۸۰)، ترکیه (رتبه ۸۸)، اردن (رتبه ۹۰)، تونس (رتبه ۹۲)، ایران (رتبه ۱۰۱)، فلسطین اشغالی (رتبه ۱۰۲)، سوریه (رتبه ۱۰۶)، الجزایر (رتبه ۱۰۸)، مصر (رتبه ۱۲۰)، مراکش (رتبه ۱۲۵) و سودان (رتبه ۱۳۹) را کسب کرده‌اند و جز کشورهای با توسعه انسانی متوسط هستند (Ibid).
 کشورهای عراق و یمن به ترتیب با رتبه های ۱۴۴ و ۱۴۹ جز کشورهای با توسعه ی انسانی پایین بوده‌اند (Ibid).

¹ Gender Inequality

² United Nation Development Program.

جدول ۱: فراوانی کشورها بر حسب سطوح شاخص توسعه‌ی انسانی در سال ۲۰۰۴ میلادی.

دامنه شاخص	درصد	تعداد	سطوح توسعه‌ی انسانی
(۰/۹۵۶-۰/۸)	۳۱/۰۷	۵۵	کشورهای دارای توسعه‌ی انسانی بالا
(۰/۷۹۹-۰/۵)	۴۸/۵۸	۸۶	کشورهای دارای توسعه‌ی انسانی متوسط
(۰/۴۹۹-۰/۲۷۳)	۲۰/۳۳	۳۶	کشورهای دارای توسعه‌ی انسانی پایین
(۰/۹۵۶-۰/۲۷۳)	۱۰۰	۱۷۷	جمع کل

منبع: برنامه عمران سازمان ملل متحد (UNDP)

۲- تحلیل شاخص‌های توسعه‌ی انسانی کشورهای خاورمیانه

تحولات سالهای اخیر در فضای اقتصادی و اجتماعی، سیاسی و نظامی منطقه خاورمیانه، باعث تغییرات و تحولات عظیمی در شاخص‌های توسعه‌ی گردیده است. منطقه‌ی خاورمیانه به ویژه حوزه‌ی خلیج فارس به علت در اختیار داشتن بیش از ۶۰ درصد منابع تولید انرژی (نفت و گاز)، نقش ژئواکونومیک ویژه‌ای در عرصه جهانی دارد (رحیم پور، ۱۳۸۱: ۴۹). در مقاله‌ی حاضر ۲۰ کشور خاورمیانه از نظر شاخص‌های توسعه‌ی انسانی، فقر انسانی، توسعه‌ی انسانی بر حسب جنسیت و نابرابری‌های جنسیتی مورد بررسی تطبیقی قرار گرفته است. بر اساس نتایج تحقیق، از ۲۰ کشور خاورمیانه، چهار کشور بحرین، کویت، قطر و امارات متحده عربی جز کشورهای توسعه یافته شناخته شده اند. جمعیت این کشورها حدود ۶/۶ میلیون نفر که تنها ۱/۵۴ درصد از جمعیت خاورمیانه را شامل می‌شوند. ۱۴ کشور که حدود ۳/۳۷۴ میلیون نفر جمعیت که به میزان ۸۶/۷ درصد از جمعیت خاورمیانه را شامل می‌شوند دارای توسعه‌ی انسانی متوسط هستند. دو کشور عراق و یمن با ۴۶/۳ میلیون نفر جمعیت که ۱۱/۷۶ درصد از جمعیت خاورمیانه را در بر می‌گیرند در رده‌های آخر قرار گرفته‌اند (جدول ۲). میزان نابرابری بین کشورها ۰/۱۵۵ می‌باشد رقم مذکور نشان می‌دهد بین کشورهای خاورمیانه به لحاظ توسعه‌ی انسانی یک نوع همگرایی و تجانس وجود دارد. کشورهای مثل عربستان و ایران که به عنوان بزرگترین تولیدکننده نفت و گاز دنیا محسوب می‌شوند آنچنان که باید و شاید نتوانسته‌اند جایگاه مناسبی را در بین کشورهای جهان و خاورمیانه به دست آورند. البته ریشه‌ی عدم توسعه‌ی انسانی در خور شایسته در این کشورها، از یک سو نتایج لاینفک نظام بی‌عدالتی و سلطه کشورهای استعمارگر بر منابع انرژی است. از سویی دیگر ناشی از نابرابری‌های منطقه‌ای و دو قطبی شدن جوامع این کشورها در سطح ملی است. به عنوان مثال بر اساس آمار سال ۲۰۰۴ بانک جهانی در کشور مصر سهم بیست درصد از طبقه مرفه ۴۳/۶ درصد از درآمد جامعه را دریافت می‌کرد در حالی که سهم بیست درصد از طبقه فقیر ۸/۶ درصد

بوده است. در ایران میزان انباشتگی در آمد خانواده در بیست درصد طبقه مرفه از این هم بیشتر بوده است به طوری ۴۹/۹ درصد در دست طبقات مرفه و ۵/۱ درصد در دست بیست درصد فقیر جامعه بوده است. در واقع می توان گفت نابرابری های موجود در کشورهای جهان سومی خاورمیانه سهم به سزایی در عقب ماندگی و پایین بودن شاخص های توسعه ی انسانی در رتبه ی دهم قرار دارد در شاخص های فقر انسانی و توانمندسازی زنان در رتبه های اول و دوم قرار دارد. این کشور علیرغم مساحت محدود و جمعیت اندک و نداشتن منابع غنی انرژی توانسته است شاخص های همچون امید به زندگی، تسهیلات، امکانات زندگی سالم و مناسب را برای ساکنان و شهروندان خود فراهم نماید و حضور فعال زنان را در عرصه های اجتماعی و اقتصادی تقویت نماید. کشور یمن در اکثر شاخص ها در قعر جدول قرار دارد. در حاشیه قرار گرفتن این کشور از بعد جهانی و پایین بودن درآمد سرانه و محرومیت از تسهیلات آموزشی از بعد ملی سبب محرومیت این کشور گردیده است. در بین کشورهای خاورمیانه واقع در قاره افریقا کشور لیبی از جایگاه مناسبی از لحاظ توسعه، قرار دارد. درآمدهای حاصل از منابع نفتی این کشور و دسترسی مناسب به امکانات آموزشی و اجرای سیاست های مناسب فقر زدایی (ضریب جینی توزیع درآمد ۰/۲۸) از عوامل مهم بالا بودن شاخص های توسعه ی انسانی در این کشور است. در بین کشورهای حوزه ی خلیج و صادر کننده نفت، کشور عراق با وجود داشتن منابع نفتی فراوان و درآمدهای بالای حاصل از نفت در سطح توسعه ی انسانی پایین قرار دارد. بحران های اخیر کشور عراق و درگیری ها و جنگ های داخلی و خارجی در طول چند دهه در این کشور، موجب شده درآمد حاصل از منابع نفتی این کشور که حدود ۶۶ درصد تولید ناخالص ملی است. صرف هزینه های نظامی و بازسازی مناطق تخریب شده از جنگ ها گردد. بی توجهی دولت عراق به رفاه اجتماعی شهروندان، سوء تغذیه کودکان و باروری بالای زنان، عدم مشارکت آنان در عرصه های اجتماعی و اقتصادی، بلند پروازی های دولت مردان رژیم بعث و وابستگی های آنها به دولت های غربی از مهم ترین عوامل افزایش فقر و پایین بودن توسعه در کشور عراق می باشد.

کشور جمهوری اسلامی ایران از لحاظ شاخص توسعه انسانی در رتبه ی دوازدهم در بین کشورهای خاورمیانه قرار دارد. شاخص توسعه ی انسانی ایران ۰/۵۶ در سال ۱۹۷۵ میلادی به مقدار ۰/۷۳ در سال ۲۰۰۴ رسیده است (UNDP, 2004). در طول سه دهه اگر چه شاخص توسعه ی انسانی روند رو به رشدی داشته ولی با توجه به موقعیت مناسب استراتژیکی و تولید ۱۵ درصد نفت حوزه خلیج فارس و دومین تولید کننده گاز جهان (حافظ نیا، ۱۳۸۴ : ۲۵۲-۲۵۱) جایگاه مناسبی در عرصه توسعه ی انسانی به دست نیاورده است. خسارتهای حاصل از هشت سال جنگ تحمیلی و تحریم های اقتصادی غرب در سطح بین المللی و نابرابری های درون منطقه ای و توزیع ناعادلانه امکانات زندگی و فرصت های

درآمدزایی بین مناطق (ضریب جینی توزیع درآمد ۰/۴۳) از مهمترین عوامل پایین بودن شاخص‌های توسعه‌ی انسانی در ایران است. بعد از انقلاب اسلامی ایران، توجه به نقش زن در توسعه و توانمندسازی آنان در ابعاد مختلف توسعه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی موجب شده ایران از لحاظ توانمندسازی زنان در رتبه‌ی هفتم در بین کشورهای خاورمیانه قرار گیرد (جدول ۲).

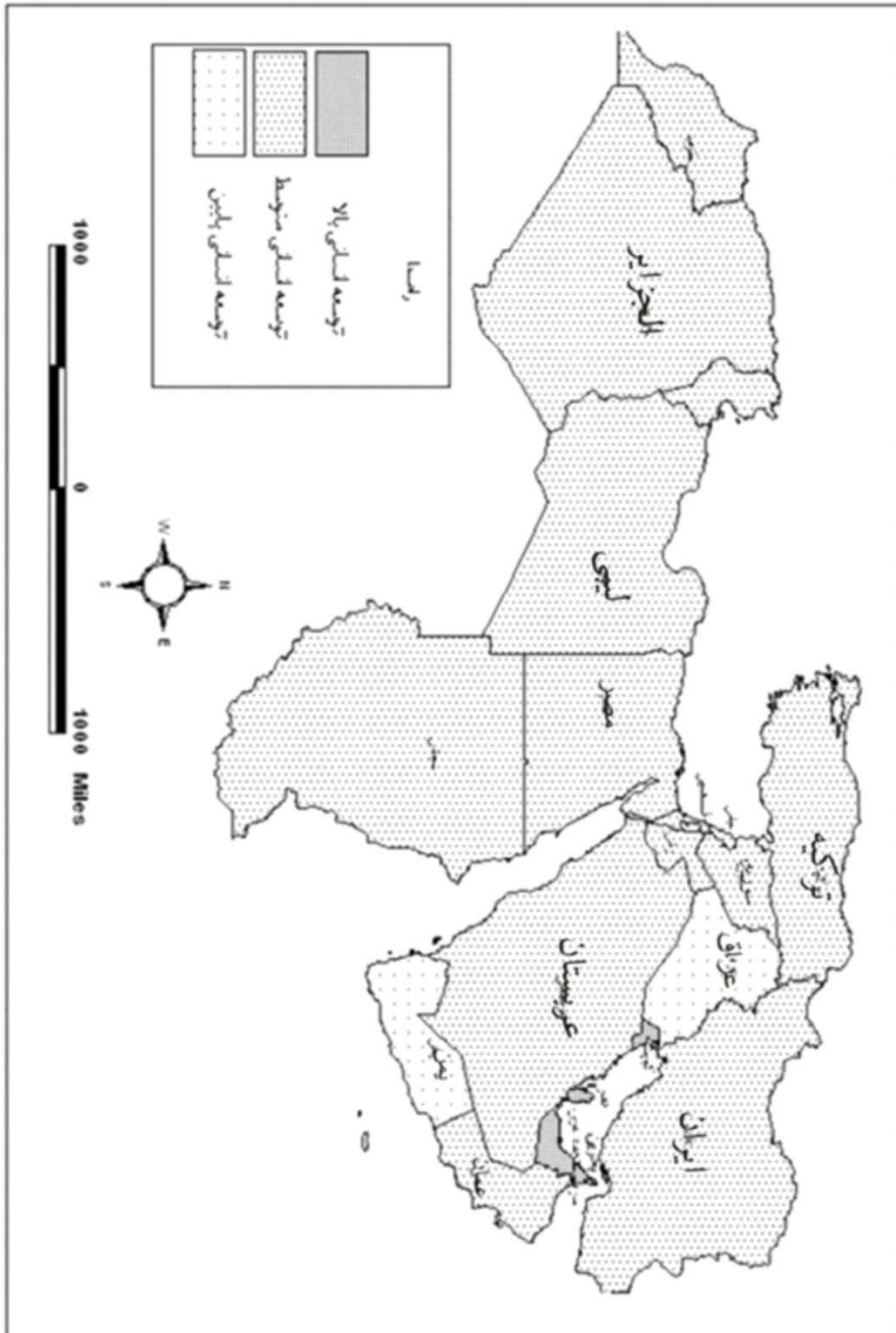
جدول ۲: شاخص توسعه‌ی و فقر انسانی در کشورهای خاورمیانه در سال ۲۰۰۴

نام کشور	HPI	HDI	GDI	GEM	GI	دسترسی به آموزش	دسترسی به امید زندگی	دسترسی به درآمد
اردن	شاخص	۷/۱	۰/۷۵	۰/۷۳۴	۰/۳۶۵	۰/۰۲۱	۰/۷۶	۰/۶۲
	رتبه	۱	۱۰	۱۰	۲	۹	۱۲	۱۴
بحرین	شاخص	۸/۳	۰/۸۴۳	۰/۸۳۲	۰/۳۹۵	۰/۰۱۳	۰/۸۱	۰/۸۶
	رتبه	۲	۱	۱	۱	۶	۳	۳
فلسطین	شاخص	۸/۹	۰/۷۲۸	۰/۷۲۷	۰/۳۴۱	۰/۰۰۱۳	۰/۷۹	۰/۵۲
	رتبه	۳	۱۳	۱۱	۳	۲	۷	۱۸
لبنان	شاخص	۹/۵	۰/۷۵۸	۰/۷۵۵	۰/۳۲	۰/۰۰۴	۰/۸۱	۰/۶۳
	رتبه	۴	۸	۴	۴	۳	۵	۱۳
قطر	شاخص	۱۱/۱	۰/۸۳۳	۰/۷۱۲	۰/۲۹۴	۰/۱۴۵	۰/۷۸	۰/۸۸
	رتبه	۵	۳	۱۳	۹	۲۰	۱۱	۲
کویت	شاخص	۱۱/۹	۰/۸۳۸	۰/۸۲۷	۰/۳۱۱	۰/۰۱۳	۰/۸۶	۰/۸۵
	رتبه	۶	۲	۲	۸	۵	۱	۴
ترکیه	شاخص	۱۲	۰/۷۵۱	۰/۷۴۶	۰/۲۹۰	۰/۰۰۶۷	۰/۷۶	۰/۶۹
	رتبه	۷	۹	۵	۱۰	۴	۱۳	۱۰
سوریه	شاخص	۱۳/۷	۰/۷۱۰	۰/۶۸۹	۰/۳۱۷	۰/۰۳	۰/۷۵	۰/۶۰
	رتبه	۸	۱۴	۱۴	۵	۱۴	۹	۱۷
لیبی	شاخص	۱۵/۳	۰/۷۹۴	۰/۷۷۱	۰/۳۵۱	۰/۰۲۹	۰/۷۹	۰/۷۲
	رتبه	۹	۵	۳	۶	۱۳	۵	۷
امارات متحده عربی	شاخص	۱۵/۸	۰/۸۲۴	۰/۷۴۱	۰/۲۶۴	۰/۱	۰/۸۳	۰/۹
	رتبه	۱۰	۴	۶	۱۳	۱۹	۲	۱
عربستان	شاخص	۱۵/۸	۰/۷۶۸	۰/۷۳۹	۰/۲۲۷	۰/۰۳۸	۰/۷۱	۰/۸۱
	رتبه	۱۱	۷	۷	۱۶	۱۵	۱۳	۶
ایران	شاخص	۱۶/۴	۰/۷۳۲	۰/۷۱۳	۰/۳۱۳	۰/۰۲۳	۰/۷۴	۰/۷
	رتبه	۱۲	۱۲	۱۲	۷	۱۰	۱۱	۸

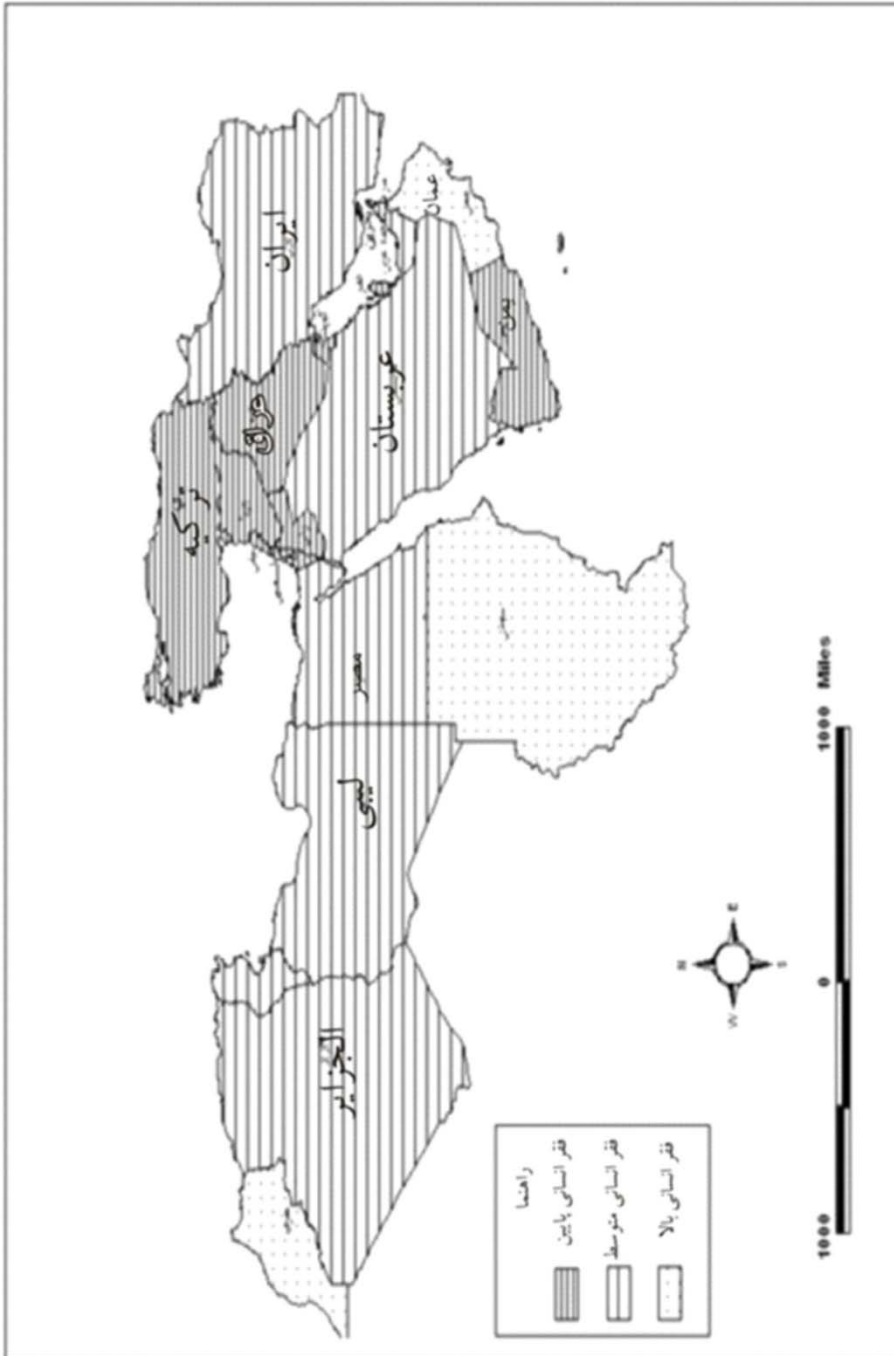
ادامه جدول ۲: شاخص توسعه ی و فقر انسانی در کشورهای خاورمیانه در سال ۲۰۰۴

شخص	۱۹/۲	-/۷۴۵	-/۷۳۴	-/۲۵۱	-/۰۱۵	-/۷۴	-/۷۹	-/۷
رتبه	۱۳	۱۱	۹	۱۴	۷	۱۲	۸	۹
شخص	۲۱/۲	-/۷۰۴	-/۶۸۸	-/۲۷۱	-/۰۲۳	-/۶۹	-/۷۴	-/۶۸
رتبه	۱۴	۱۵	۱۵	۱۱	۱۱	۱۵	۱۵	۱۱
شخص	۲۹/۸	-/۴۹	-/۵۷۰	-/۱۱۲	.	-/۵۷	-/۶۱	-/۶۶
رتبه	۱۵	۱۹	۱۸	۲۰	۱	۱۷	۱۸	۱۲
شخص	۳۰/۹	-/۶۵۳	-/۶۳۴	-/۲۶۶	-/۰۱۹	-/۶۲	-/۷۳	-/۶۱
رتبه	۱۶	۱۶	۱۶	۱۵	۸	۱۶	۱۶	۱۵
شخص	۳۱/۵	-/۷۷	-/۷۳۷	-/۲۷۱	-/۰۴۳	-/۷۱	-/۷۹	-/۸۲
رتبه	۱۷	۱۶	۸	۱۲	۱۶	۱۴	۹	۵
شخص	۳۲	-/۵۰۵	-/۴۸۵	-/۱۲۹	-/۰۴	-/۵۲	-/۵۱	-/۴۸
رتبه	۱۸	۱۸	۱۹	۱۸	۱۶	۱۹	۲۰	۱۹
شخص	۳۴/۵	-/۶۲۰	-/۶۰۴	-/۲۱۲	-/۰۲۳	-/۵۳	-/۷۲	-/۶۱
رتبه	۱۹	۱۷	۱۷	۱۷	۱۲	۱۸	۱۷	۱۶
شخص	۴۰/۳	-/۴۸۳	-/۴۳۶	-/۱۲۳	-/۰۹۵	-/۵	-/۵۸	-/۳۶
رتبه	۲۰	۲۰	۲۰	۱۹	۱۸	۲۰	۱۹	۲۰

منبع: نگارندگان بر اساس اطلاعات آماری سازمان ملل متحد (۲۰۰۴).



منبع: نگارندگان
نقشه ۱: توزیع فضایی کشور های خاور میانه از نظر توسعه انسانی



نقشه ۲: توزیع فضایی کشورهای خاورمیانه از نظر شاخص فقر انسانی

منبع: نگارندگان

۳- پراکندگی رتبه شاخص‌های توسعه انسانی در کشورهای خاورمیانه

یکی از موضوعات مهم در بررسی شاخص‌های توسعه‌ی، بررسی چگونگی تأثیر گذاری مؤلفه‌های مربوطه روی آن است. به عبارت دیگر چه عواملی در پراکندگی شاخص‌های توسعه‌ی مؤثر بوده‌اند (عباسی نژاد و رفیعی امام، ۱۳۸۵: ۴۸). بر طبق جدول (۲) که رتبه‌ی هر کشور را در شاخص امید به زندگی، آموزش، درآمد، GDI, GEM, GI, HPI نشان می‌دهد، می‌توان میزان وابستگی شاخص توسعه‌ی انسانی را به هر یک از شاخص‌ها از طریق آزمون علامت (کلانتری، ۱۳۸۲: ۱۴۴-۱۴۱) به دست آورد. اختلاف مثبت به این معنی است که رتبه‌ی شاخص توسعه‌ی انسانی بالاتر از شاخص‌های دیگر است. برعکس تفاوت منفی به آن معنی است که رتبه‌ی شاخص توسعه‌ی انسانی کمتر از شاخص‌های دیگر است. پس در حالت اول شاخص فرعی نقش بازدارنده در افزایش شاخص توسعه‌ی انسانی دارد و برعکس. با توجه به شاخص‌های محاسبه شده در سال ۲۰۰۴، اختلاف شاخص امید به زندگی با شاخص توسعه‌ی انسانی بین (۷+ و ۹-) است. اختلاف رتبه شاخص آموزش با شاخص توسعه‌ی انسانی بین (۹+ و ۸-) قرار دارد. به همین ترتیب اختلاف رتبه‌ی شاخص درآمد سرانه با شاخص توسعه‌ی انسانی بین (۹+ و ۱-) است. یعنی در سال ۲۰۰۴ در کشورهای خاورمیانه شاخص آموزش نقش اصلی را در تعیین رتبه‌ی شاخص توسعه‌ی انسانی دارد. اختلاف بین شاخص توسعه‌ی انسانی با شاخص‌های HPI, GDI, GEM, GI به ترتیب (۹+ و ۷-)، (۴+ و ۶-) و (۹+ و ۸-) و (۷+ و ۱۲-) می‌باشد. در واقع اختلاف بین شاخص GEM, HDI کمتر از سه شاخص دیگر است. می‌توان این گونه بیان کرد که ارتقای توانمندی‌های زنان می‌تواند نقش اساسی و قوی در ارتباط با توسعه‌ی انسانی داشته باشد.

ترتیب توجه در هر کشور به هریک از مؤلفه‌های مورد بررسی مستلزم در نظر گرفتن رتبه‌ی کشور در هر شاخص و مقدار عددی آن است. بنابراین کشورهایی که در هر یک از مؤلفه‌ها در رتبه‌ی پایینی قرار دارند لزوم توجه به شاخص‌های آن مؤلفه‌ها در اولویت برنامه ریزی برای بهبود آن شاخص قرار دارد. به عنوان مثال در کشورهای یمن، سودان، فلسطین، سوریه و مراکش توجه به شاخص‌های درآمد، امید به زندگی و آموزش، اولویت دارد، در کشور ایران توجه به مسایل بهداشتی و ارتقای امید به زندگی بیشتر از آموزش اولویت دارد و توجه به آموزش بیشتر از توجه به درآمد سرانه، احساس می‌شود.

۴- شاخص‌های توسعه و فقر انسانی و نابرابری جنسیتی

برای ارزیابی رابطه‌ی مقطعی بین شاخص‌های توسعه‌ی انسانی و فقر انسانی و نابرابری جنسیتی از مدل رگرسیون خطی و غیر خطی (یعنی وجود رابطه‌ی U و ارونه بین متغیر مستقل و وابسته) در نرم افزار رایانه SPSS استفاده شده است. برای انجام این کار یک بار شاخص‌های توسعه‌ی انسانی و یک بار

شاخص های فقر انسانی به عنوان متغیرهای مستقل با GDI , GI به عنوان متغیرهای تابع بررسی شده است. برای آزمون خطی بین متغیرها از رابطه (۱) و برای آزمون وجود رابطه U وارونه بین متغیرهای از معادله (۲) استفاده شده است.

$$y = \beta_0 + \beta_1(x) \quad (1)$$

$$y = \beta_0 + \beta_1(x) + \beta_2(x^2) \quad (2)$$

متغیرهای وابسته GDI , GI و متغیرهای مستقل شاخص آموزشی (E)، شاخص امید به زندگی (L) و شاخص درآمد سرانه (I) برای توسعه ی انسانی و شاخص احتمال مرگ و میر تا سن ۴۰ سالگی (P1) ، شاخص درصد بی سوادى بزرگسالان (P2) و شاخص محرومیت از تسهیلات زندگی (P3) برای فقر انسانی هستند.

الف: شاخص های توسعه ی انسانی و نابرابری های جنسیتی

یافته های تحقیق نمایانگر یک رابطه ی نزدیک بین GDI و شاخص های دسترسی به درآمد، آموزش و امید به زندگی با همبستگی های به ترتیب ۰/۷۵ و ۰/۸۸ و ۰/۶۰۶ می باشد. این بدان معنی است، که با افزایش درآمد، آموزش و امید به زندگی در نهایت توسعه ی انسانی موقعیت زنان افزایش می یابد. نتایج مدل های مقطعی خطی و غیرخطی موقعیت زنان در معادلات زیر نمایان است. داده ها در سال ۲۰۰۴ در کشورهای خاورمیانه از مدل غیر خطی حمایت می کند. و ضرایب تماماً معنی دار می باشد. R^2 تعدیل شده برای مدل های غیر خطی ۰/۸۴ و ۰/۷۲ و ۰/۶ است و مقدار آنها نسبت به مدل خطی افزایش یافته است. به عبارت دیگر داده ها حمایت از وجود منحنی U وارونه بین موقعیت زنان و شاخص های توسعه ی انسانی دارد.

مقایسه ی مدل خطی ۳ و غیرخطی ۴، وجود یک رابطه ی غیر خطی بالای را بین GDI و امید به زندگی نشان می دهد. یعنی رتبه ی امید به زندگی در برخی از کشورها بالاتر از رتبه ی GDI می باشد

مدل های مربوط به شاخص GDI و توسعه ی انسانی عبارتند از:

$yE1 = 0.155 + 0.741X$	$R^2 = 0.76$	$N = 20$
$yE2 = -0.95 + 4.048X - 2.395X^2$	$R^2 = 0.84$	$N = 20$
$yL1 = 0.316 + 0.518X$	$R^2 = 0.33$	$N = 20$
$yL2 = 1.37 - 2.16X + 45.99X^2$	$R^2 = 0.72$	$N = 20$
$yI1 = 0.322 + 0.541X$	$R^2 = 0.537$	$N = 20$
$yI2 = -0.71 + 2.105X - 1.18X^2$	$R^2 = 0.6$	$N = 20$

رابطه‌ی بین GI (نابرابری جنسیتی) و شاخص‌های توسعه‌ی انسانی نشان می‌دهد که رابطه‌ی بین GI و دسترسی به آموزش دارای همبستگی ۰/۱۲۲- است، یعنی با افزایش آموزش نابرابری‌های جنسیتی در کشورهای خاورمیانه کاهش می‌یابد. اما در زمینه‌ی دسترسی به درآمد همبستگی مثبت بوده، یعنی با افزایش دسترسی به درآمد نابرابری بین زنان و مردان افزایش نشان می‌دهد. مدل‌های مقطعی خطی و غیر خطی مورد بررسی شده است. در مدل‌های ۱ و ۲ ضرایب خطی و غیر خطی منفی بوده و R2 نشان می‌دهد که ضرایب معنی دار نمی‌باشد. یعنی افزایش دسترسی به آموزش نابرابری‌های جنسیتی را افزایش نداده است. در معادله غیر خطی مدل ۶ ضرایب معنی دار می‌باشند که نشان می‌دهد که در کشورهای خاورمیانه دسترسی به درآمد نابرابری بین زنان و مردان را افزایش داده است.

مدل‌های مربوط به شاخص‌های GI و توسعه انسانی عبارتند از:

$yE1 = 0/614 - 0/3076X$	$R2 = 0/0398$	$N = 20$
$yE2 = 0/129 - 0/24X + 0/147X2$	$R2 = 0/098$	$N = 20$
$yL1 = 0/027 + 0/0093X$	$R2 = 0/054$	$N = 20$
$yL2 = -0/020 + 0/168X - 0/126X2$	$R2 = -0/113$	$N = 20$
$yI1 = -0/00148 + 0/052X$	$R2 = 0/014$	$N = 20$
$yI2 = 0/187 + 0/00019X - 1/193X2$	$R2 = 0/0514$	$N = 20$

ب: شاخص‌های فقر انسانی و نابرابری جنسیتی

یافته‌های تحقیق نمایانگر وجود همبستگی منفی قوی بین GDI و شاخص‌های فقر انسانی در سال ۲۰۰۴ در کشورهای خاورمیانه است. این همبستگی به ترتیب برای P1 (۰/۸۹۴-)، P2 (۰/۳۹۲) و P3 (۰/۷۰۱-) است.

ضرایب نشان می‌دهد که با کاهش احتمال مرگ و میر تا سن ۴۰ سالگی، درصد بزرگسالان بی‌سواد و درصد جمعیت محروم از تسهیلات بر موقعیت زنان و فعالیت و نقش آنان در عرصه‌های اجتماعی - اقتصادی افزوده می‌شود. به عبارت دیگر در کشورهایی که شاخص فقر انسان پایین هستند زنان نقش تعیین کننده‌ای را در توسعه و پیشرفت‌های مختلف دارند. نتایج مدل‌های خطی و غیر خطی GDI نشان می‌دهد در مدل‌های غیر خطی R2 به ترتیب ۰/۸۶۴، ۰/۶۹۷ و ۰/۵۰۲ بوده است که نسبت به مدل‌های خطی افزایش دارد. لذا مدل غیر خطی توجیه بهتری برای رابطه بین GDI و شاخص‌های فقر ارائه می‌دهد. ضرایب به دست آمده تماماً معنی دار هستند و حمایت از جود یک رابطه U وراونه بین

موقعیت زنان و شاخص دسترسی به فقر انسانی ارائه می‌دهد. یعنی دسترسی به شاخص‌های فقر اثر مثبت به شاخص GDI دارند ولی به مرور زمان این تأثیر سیر نزولی دارد. مدل‌های مربوط به شاخص‌های GD و فقر انسانی عبارتند از:

$yP1 = 0/813 - 0/0143X$	$R^2 = 0/8$	$N = 20$
$yP1 = 0/88 - 0/0290X + 0/0004X^2$	$R^2 = 0/864$	$N = 20$
$yP2 = 0/765 - 0/003X$	$R^2 = 0/154$	$N = 20$
$yP2 = 0/2507 + 0/0705X - 0/0029X^2$	$R^2 = 0/697$	$N = 20$
$yP3 = 0/796 - 0/0083X$	$R^2 = 0/491$	$N = 20$
$yP3 = 0/813 + 0/0150X + 0/0006X^2$	$R^2 = 0/502$	$N = 20$

بررسی رابطه‌ی مقطعی بین اجزای تشکیل دهنده‌ی شاخص‌های فقر انسانی و GI (نابرابری جنسیتی) نشان می‌دهد که بین احتمال مرگ و میر تا سن چهل سالگی و نابرابری جنسیتی رابطه‌ی معنی‌دار آن چندانی دیده نمی‌شود. ولی با افزایش درصد بزرگسالان بی‌سواد نابرابری جنسیتی کاهش می‌یابد و همچنین با افزایش درصد جمعیت محروم از تسهیلات زندگی نابرابری جنسیتی با ضریب همبستگی (0/109) معنی‌دار بوده است که نشان می‌دهد در کشورهای که محرومیت از تسهیلات زندگی بیشتر است نابرابری بین زنان و مردان افزایش می‌یابد. بررسی معادله‌های خطی و غیرخطی در جدول (۶) نمایانگر وجود رابطه‌ی خیلی ضعیف بین شاخص‌های فقر انسانی با GI می‌باشد. تمامی این ضرایب کوچکتر از ضرایب شاخص‌های فقر انسانی و GDI هستند که نشان دهنده این است که شاخص‌های فقر انسانی بر موقعیت زنان اثر بیشتری نسبت به نابرابری زنان دارند.

مدل‌های مربوط به شاخص GI و فقر انسانی عبارتند از:

$yP1 = 0/0315 + 0/0003X$	$R^2 = 0/003$	$N = 20$
$yP1 = 0/077 - 0/0132X + 0/001X^2$	$R^2 = 0/043$	$N = 20$
$yP2 = 0/0455 - 0/0005X$	$R^2 = 0/029$	$N = 20$
$yP2 = 0/0488 + 0/0015X - 0/00006X^2$	$R^2 = 0/033$	$N = 20$
$yP3 = 0/0283 + 0/0005X$	$R^2 = 0/012$	$N = 20$
$yP3 = 0/0578 - 0/0108X + 0/0005X^2$	$R^2 = 0/297$	$N = 20$

نتیجه گیری

در این پژوهش، ارزیابی شاخص های توسعه ی انسانی، فقر انسانی و اثرات آنها بر نابرابری جنسیتی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفت. برابر بررسی های صورت گرفته چهار کشور بحرین، کویت، قطر و امارات متحده عربی در توسعه ی انسانی بالا و کشورهای لیبی، عمان، عربستان، لبنان، ترکیه، اردن، تونس، ایران، فلسطین، سوریه، الجزایر، مصر، مراکش و سودان در سطح توسعه ی انسانی متوسط و دو کشور عراق و یمن در سطح توسعه ی انسانی پایین قرار دارند.

جدول ۳: طبقه بندی کشورهای خاورمیانه بر اساس شاخص های توسعه انسانی

رده‌بف	نام کشورها	سطح توسعه اقتصادی
۱	بحرین، کویت، قطر و امارات متحده عربی	توسعه انسانی بالا ($HDI \geq 0.8$)
۲	لیبی، عمان، عربستان، لبنان، ترکیه، اردن، تونس، ایران، فلسطین، سوریه، الجزایر، مصر، مراکش، سودان	توسعه انسانی متوسط ($0.799 \leq HDI < 0.8$)
۳	عراق، یمن	توسعه انسانی پایین ($HDI < 0.799$)

منبع: مطالعات نگارندگان

از لحاظ شاخص های فقر انسانی کشور اردن به عنوان توسعه یافته ترین کشور و یمن به عنوان محروم ترین کشور شناخته شد. شاخص آموزش در این کشورها بیشترین تأثیر را در توسعه ی انسانی داشته است. بعد از شاخص آموزش، شاخص امید به زندگی نقش اساسی را ایفا نموده است. در بررسی علل و عوامل مؤثر بر توسعه انسانی مشخص شد که سلطه ی کشورهای استعماری و غرب از بعد نظام بین المللی و نابرابری درون منطقه ای و بالا بودن باروری زنان و توزیع نابرابر ثروت و امکانات در سطح ملی از عوامل اصلی عقب ماندگی کشورهای خاورمیانه می باشد. در ارتباط با نابرابری جنسیتی، کشورهای در سطح توسعه ی انسانی بالا قرار داشته اند که زنان از موقعیت بالایی برخوردار بوده اند. البته این رابطه ی به صورت منحنی U وارونه بوده که در مرحله سیر صعودی و در مرحله بعد سیر نزولی را نشان می‌دهد. در اکثر کشورهای خاورمیانه دسترسی به درآمد باعث نابرابری بین زنان و مردان شده است در حالی دسترسی به آموزش و امید به زندگی از نابرابری بین زنان و مردان کاسته است. در مجموع می توان گفت مشارکت زنان در عرصه های اجتماعی - اقتصادی و سیاسی می تواند به عنوان یکی از شاخص های کلیدی توسعه انسانی محسوب گردد.

منابع و مأخذ

- افشاری، زهرا و ایمان شیبانی (۱۳۸۳)؛ «بررسی اثر فناوری اطلاعات بر نابرابری جنسیتی»، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۶۶، دانشگاه تهران.
- ازکیا، مصطفی (۱۳۷۷)؛ جامعه‌شناسی توسعه، تهران، انتشارات نشر کلمه.
- براهمن، جان (۱۳۸۱)؛ توسعه مردم‌گرا، مترجمین: عبدالرضا رکن‌الدین افتحاری و مرتضی توکلی، تهران، شرکت چاپ و نشر بازرگانی، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- پورمحمدی، محمد رضا و نادرزالی، (۱۳۸۳)؛ «توسعه‌ی انسانی، چالش و چشم‌اندازها (با نگاهی تحلیلی به شاخص‌های توسعه‌ی انسانی در ایران)»، مجله علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه تبریز، سال دهم، شماره ۱۵، ویژه‌نامه‌ی جغرافیا، تبریز.
- حافظ‌نیا، محمد رضا (۱۳۸۴)؛ خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه‌ی هرمز، تهران، سمت.
- حیاتی، علی (۱۳۷۵)، «نگاهی به گزارش توسعه‌ی انسانی برنامه عمران ملل متحد ۱۹۹۶، رشد بر توسعه‌ی انسانی»، بولتن بین‌المللی، شماره ۱۲.
- رحیم‌پور، علی (۱۳۸۱)، «تحولات ژئواستراتژیک در سده بیست و یکم و جایگاه منطقه و ایران»، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره‌های ۱۸۴-۱۸۳.
- ساعی، احمد (۱۳۷۷)، مسایل سیاسی و اقتصادی جهان سوم، تهران، سمت.
- عباسی‌نژاد، حسین و علینقی رفیعی‌امام (۱۳۸۵)، «ارزیابی شاخص توسعه‌ی انسانی در مناطق روستایی ایران»، مجله‌ی تحقیقات اقتصادی، شماره ۷۲، دانشگاه تهران.
- فکوهی، ناصر (۱۳۷۹)، از فرهنگ تا توسعه، تهران، انتشارات فردوس.
- کلانتری، خلیل (۱۳۸۲)، پردازش و تحلیل داده‌ها در تحقیقات اجتماعی و اقتصادی، تهران، نشر شریف.
- کریم‌کشته، محمدحسین و غلامرضا زمانیان (۱۳۸۳)، «بررسی شاخص توسعه‌ی انسانی در استان سیستان و بلوچستان (۱۳۷۹-۱۳۶۸)»، مجله‌ی جغرافیا و توسعه، شماره ۴، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- نراقی، یوسف (۱۳۷۵)، توسعه و کشورهای توسعه‌نیافته، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- Acharya , Sanjaya (2004) , Measuring and Analyzing Poverty (With a Particular Reference to the Case of Nepal), the European Journal of Comparative Economics , VoL.1, N. 2, PP195-215.
- Sose A & etal (2000), Gender Difference in Labor Market Decisions : Evidence From Rural Mexico, Economic Development and Cultural Change , N. 48, PP , 619—636.
- UNDP (1997), Human Development Report , New York.
- UNDP (2000), Human Development Report , New York.
- UNDP (2004), Human Development Report , New York.
- World Bank (2004) , World Development Indicators , world Bank , Washington DC.
- WWW. Mideast Web. Org

